

فهرست مطالب

۲- کلیات

گفتار نخست - مفهوم محدود مصرف کننده

۳- تعریف پیشنهادی

۴- نخستین عنصر تعریف: اشخاصی که برای خود تهیه می کنند یا

مورد استفاده قرار می دهند

۵- دومین عنصر تعریف: اموال یا خدمات

۶- سومین عنصر تعریف: کاربرد غیر حرفه ای

۷- تعریف صاحب حرف

۸- موارد ابهام تشخیص مصرف کننده از صاحب حرفه

گفتار دوم - مفاهیم وسیع مصرف کننده

۹- طرح مشکل

۱۰- صاحبان حرفی که خارج از صلاحیت خود اقدام می کنند

۱۱- پس انداز کنندگانی که به عملیات سرمایه گذاری مبادرت

می ورزند

۱۲- استفاده کنندگان از سازمانهای عمومی

تعریف مصرف کننده

نوشته ژان کله-آلوا
ترجمه عبدالرسول قدک

نوشته حاضر ترجمه مبحث نخست مقدمه کتاب ارزنده‌ای است به نام حقوق مصرف که به زبان فرانسه توسط دو تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه مونپلیه (۱)، ژان کله-آلوا (Jean Calais-Auloy) و فرانک ستنمتز (Frank Steinmetz) تدوین یافته و توسط مؤسسه انتشارات دالوز در پاریس به چاپ رسیده است:

(Droit de la consommation, 4e éd., Pécis, Dalloz 1996).

مبحث مذکور توسط استاد کله-آلوا نوشته شده که در اینجا جهت استفاده علاقمندان به حقوق مصرف فرانسه، با حفظ شماره مطالب کتاب، به فارسی برگردانده شده است. آقای دکتر قاسمی حامد در شماره بیست و سوم مجله حقوقی مبحث دوم مقدمه را با عنوان «معرفی حقوق مصرف» ترجمه نموده‌اند.

۲- کلیات: واژه‌های «مصرف (consommation)، مصرف کننده (consommateur)» از دانش اقتصاد آمده‌اند و امروز از اصلاحات زبان حقوقی به شمار می‌آیند. برای تعیین قلمرو اجرایی متونی که صرفاً به نفع مصرف کنندگان تدوین یافته‌اند و نیز برای درک فلسفه حقوق مصرف، این واژه‌ها باید تعریف شوند. در قوانین فرانسه هیچ تعریفی نمی‌شود.^۱ اما رویه قضایی و دکترین تعاریفی را ارائه داده‌اند،^۲ هرچند که هیچ کدام دارای موضع یکسانی نیستند. از این رو مفهوم مصرف کننده در حاله‌ای از ابهام محصور گشته است.^۳

از اقتصاددانان پیرسیم. آنها بر این باورند که مصرف آخرین مرحله فرایند اقتصادی است^۴ و از تولید و توزیع که در مراحل پیش از آن قرار گرفته و حکایت از جمع آوری، تبدیل و تقسیم ثروت دارد تمیز می‌یابد.

۱. تعریفی از مصرف کننده در کنوانسیون بروکسل ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ پیرامون صلاحیت قضایی و در کنوانسیون رم ۱۹ ژوئن ۱۹۸۰ پیرامون قانون قابل اجرا نسبت به تعهدات قراردادی و همچنین در برخی دستورالعمل‌های اروپایی (directive) ارائه شده است.

2. Cornu, Vocabulaire juridique, PUF, v^{is} Consommateur, Consommation; Ghestin, La formation du contrat, LGDJ 1993, n^o 77; Godé, Vocabulaire juridique consommation, Dalloz 1993, v^o Consommateur; Malinvaud, La protection des consommateurs, D. 1981, chron. 49; Mestre, "Des notions de consommateurs", RTD civ. 1989, 62; Paisant, "Essai sur la notion de consommateur en droit positif", JCP 1993, I, 3655; Pizzio, l'introduction de la notion de consommateur en droit français, D. 1982, chron. 91.

۳. برخی نویسندگان معتقدند که مفهوم مصرف کننده «نامعلوم» است. (Cas et Ferrier, Traité de droit de la consommation, PUF, 1983, n^o 8).

این نظر تا اندازه ای اغراق آمیز می‌نماید. درست است که تعیین حدود مفهوم مصرف کننده، همانند خیلی از مفاهیم دیگر، با مشکلاتی روبرو است ولی نامعلوم نیست.

۴. گنسته (مصرف کردن (consommer) از مصدر لاتین کُنسومِر (consummare) که به معنای انجام دادن (accomplir) و خاتمه دادن (achever) می‌باشد گرفته شده است. مصرف پایان دهنده فرایند اقتصادی است.

با الهام گرفتن از این تعریف، حقوقدانان باید آن را با زمینه کاری خود هماهنگ سازند. از همین جا مشکلات شروع می‌شوند. برای روشن ساختن مفهوم مصرف کننده، شایسته است که نخست، هسته سفت یعنی مصرف کننده به معنای محدود تعریف شود. آن گاه، می‌توان مطرح ساخت آیا گرداگرد این هسته گسترش مفهوم مصرف کننده امکان پذیر است.

گفتار نخست

مفهوم محدود مصرف کننده

۳- تعریف پیشنهادی: ما تعریف پیشنهاد شده توسط کمیسیون بازرنگری حقوق مصرف را می‌پذیریم: «مصرف کنندگان اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی هستند که برای کاربرد غیرحرفه‌ای، اموال یا خدماتی را برای خود تهیه می‌کنند یا مورد استفاده قرار می‌دهند».

5. J. Calais-Auloy, Propositions pour un code de la consommation, La Documentation française, 1990, article 3.

این تعریف به تعریفهای پیشنهاد شده توسط آقایان کُرنو و گستن نزدیک است. تعریف آقای کُرنو: «هر خریدار غیرحرفه‌ای که اموال مصرفی را به منظور استفاده شخصی تهیه کند» (Vocabulaire juridique, PUF, 1987).

تعریف آقای گستن: «شخصی که برای رفع نیازهای شخصی و غیرحرفه‌ای خود طرف قرارداد عرضه اموال یا خدمات واقع شود».

(La formation du contrat, LGDJ, 1993, n° 77).

همچنین، تعریف کمیسیون بازرنگری به تعریف ارائه شده توسط کنوانسیونهای بین‌المللی و دستورالعمل‌های اروپایی نزدیک است: «هر شخصی که برای دستیابی به استفاده‌ای اقدام کند که بتوان آن را خارج از فعالیت حرفه‌ای او دانست».

مترجم: ژرژ کُرنو (Gérard Cornu) و ژک گستن (Jacques Ghestin) به ترتیب اساتید حقوق مدنی دانشگاه پاریس (۲) و پاریس (۱) می‌باشند.

این تعریف دارای سه عنصر است که باید از یکدیگر تفکیک شوند.

۴- نخستین عنصر تعریف: اشخاصی که برای خود تهیه می‌کنند یا مورد استفاده قرار می‌دهند. ابتدای این تعریف دو دسته مصرف کننده را نمایان می‌سازد:

- نخست، مصرف کنندگانی که برای کاربرد غیرحرفه ای اموال یا خدماتی را برای خود تهیه می‌کنند. این اموال یا خدمات توسط شخص دیگری که معمولاً یک صاحب حرفه (professionnel) است عرضه می‌شود. قرارداد بسته شده میان مصرف کننده و صاحب حرفه قرارداد مصرف نامیده می‌شود. ماهیت این قرارداد متغیر است: بیع، اجاره اشیاء، پیمانکاری، قرض، بیمه، غیره. قواعد حمایت گرانه نه تنها نسبت به خود قرارداد بلکه به مقدمات آن نیز به اجرا درمی‌آید. خاطر نشان می‌سازد که مصرف کننده همیشه در موقعیت شخصی قرار دارد که می‌خرد یا برای خود تهیه می‌کند: به نظر من، شخصی که مال یا خدمتی را عرضه می‌نماید، حتی چنانچه صاحب حرفه نباشد، نمی‌تواند مصرف کننده توصیف گردد.^۶

دوم، مصرف کنندگانی که برای کاربرد غیرحرفه ای اموال یا خدماتی را مورد استفاده قرار می‌دهند. بیشتر اوقات مصرف کننده ای

۶. کنوانسیون بروکسل ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ راجع به صلاحیت قضایی (ماده ۱۳) مفهوم گسترده تری را می‌پذیرد: «قرارداد بسته شده توسط یک شخص برای دستیابی به استفاده ای که بتواند خارج از فعالیت حرفه ای او مدنظر قرار گیرد، این شخص ذیلاً مصرف کننده نامیده می‌شود». همچنین، دستورالعمل ۵ آوریل ۱۹۹۳ مربوط به شروط تحمیلی (ماده ۲): «منظور از مصرف کننده هر شخص طبیعی است که در زمینه قراردادهای مشمول دستورالعمل حاضر، مقاصدی را دنبال کند که در چارچوب فعالیت حرفه ای او وارد نشود». این تعریفها می‌تواند نسبت به اشخاصی که می‌فروشند و هم درباره آنها می‌خرند به اجرا درآید.

که اموال یا خدماتی را تهیه می‌نماید خود نیز استفاده کننده می‌باشد. ولی همیشه این طور نیست. مال خریداری شده توسط یک شخص می‌تواند مثلاً توسط اعضای خانواده او که نسبت به قرارداد بیع اشخاص ثالث به‌شمار می‌آیند مورد استفاده قرار گیرد. این اشخاص ثالث استفاده کننده خود نیز مصرف کننده‌اند، هرچند که تا اندازه‌ای در حاشیه حقوقی قرار می‌گیرند که هنوز به مفهوم قرارداد وفادار است.

مصرف کننده تقریباً همیشه اعم از این که برای خود تهیه نماید یا مورد استفاده قرار دهد یک شخص حقیقی است، چون هدف غیرحرفه‌ای وجود نیازهای خصوصی را که اساساً حوائج اشخاص حقیقی هستند ایجاد می‌کند. به همین جهت، استفاده از برخی متون حقوق مصرف مختص اشخاص حقیقی است.^۷ با وجود این، ممکن است پیش آید که برخی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که فعالیت غیرحرفه‌ای دارند مصرف کننده توصیف شوند: برای مثال انجمن‌های غیرانتفاعی و سندیکاهای مالکین مشاع اموال غیرمنقول.^۸ به نظر ما، این اشخاص حقوقی می‌توانند از قواعد حقوق مصرف که صراحتاً به اشخاص حقیقی اختصاص نیافته‌اند بهره‌مند گردند.^۹

۷. در حقوق فرانسه می‌توان به مقررات پیرامون مراجعه به محل سکونت و کار افراد برای پیدا کردن مشتری و انعقاد معامله (démarchage) (ماده ۲۱-۲۱-ال به بعد قانون مصرف) و در حقوق جوامع اروپایی به دستورالعمل ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ مربوط به اعتبار مصرفی و دستورالعمل ۵ آوریل ۱۹۹۳ پیرامون شروط تحمیل اشاره نمود.

۸. در این معنی:

(Bourgoigne, Eléments pour une théorie du droit de la consommation, Story scientia, 1988, n^o 22).

۹. دادگاه پژوهش پاریس حتی یک حزب سیاسی را مصرف کننده قلمداد نموده است. (Paris, 5 juill, 1991, ICP, éd. E, 1991, Pan.988).

۵- دومین عنصر تعریف: اموال یا خدمات (biens ou services):

کاربرد واژه‌های اموال یا خدمات نشان می‌دهد که مفهوم مصرف کننده قلمرو وسیعی را می‌پوشاند و نسبت به وضعیت‌های گوناگون به اجرا در می‌آید.

- کلیه اموال می‌توانند، به محض این که برای هدف غیرحرفه‌ای تهیه شده یا مورد استفاده قرار گیرند، موضوع مصرف باشند. مصرف نباید به اشیاء نابود شدنی (choses consommables)،^{۱۰} یعنی به اموالی که با نخستین استفاده (مواد غذایی) از بین می‌روند، محدود شود. اموال بادوام (اتومبیل، لوازم خانگی) و حتی اموال غیرمنقول (مسکن) از موضوعات مصرف هستند.

- مصرف به خدمات نیز گسترش می‌یابد. مفهوم خدمت برای قانون مدنی ناشناخته است ولی در حقوق اقتصادی به کرات به کار می‌رود و کلیه عرضه‌هایی که قابل ارزیابی به پول هستند، به جز عرضه اموال را دربر می‌گیرد. برخی خدمات جنبه مادی (تعمیر، نظافت)، برخی دیگر جنبه مالی (بیمه، اعتبار) و بالاخره برخی جنبه فکری (مراقبت‌های پزشکی، مشاوره‌های حقوقی) دارند. همه این خدمات می‌توانند موضوع مصرف قرار گیرند، مشروط بر این که به شخصی که صاحب حرفه نباشد ارائه گردند. وصف شخصی که عرضه کننده مال یا خدمت است تأثیری بر تعریف مصرف کننده نمی‌گذارد. صرف نظر از حرفه خود (تجاری،

۱۰. کُسنمه (مصرف کردن- consommer) از مصدر لاتین کُسنومر (consummare) به معنای انجام دادن (accomplir) و خاتمه دادن (achever) آمده است. کُسنمپتیل (consomptible) از مصدر کُسنومه (نابود کردن consumer) اشتقاق یافته است که مصدر لاتین آن کُسنومر (از بین بردن، نابود کردن، consumer) می‌باشد. ملاحظه می‌کنیم که ریشه لاتین واژه‌ها متفاوت است هرچند که غالباً با هم آمیخته می‌شوند.

پیشه‌وری، آزاد یا حرفه دیگر)، این شخص عرضه کننده یک شخص حقیقی باشد. همچنین او می‌تواند یک شخص حقوقی باشد (یک شرکت، یک مؤسسه عمومی). او می‌تواند وابسته به بخش خصوصی یا عمومی باشد. با توجه به تعریفی که ذیلاً از مفهوم صاحب حرفه به عمل خواهد آمد، قاعدتاً عرضه کننده صاحب حرفه توصیف می‌شود. صاحب حرفه دانستن عرضه کننده، مصرف کننده را نسبت به او در موضع ضعف قرار داده و ایجاد قواعد حمایت‌گرانه را توجیه می‌نماید. با وجود این، ممکن است چنین پیش‌آید که عرضه کننده مال یا خدمت یک شخص صاحب حرفه نباشد یا به طوری که گفته می‌شود که یک شخص عادی (particulier)^{۱۱} باشد. این امر می‌تواند موجب کاهش یا حتی حذف قواعد حمایت‌گرانه شود، اما به عقیده من، عنوان مصرف کننده را از شخصی که جهت کاربرد غیرحرفه‌ای مال یا خدمتی را برای خود تهیه می‌کند یا مورد استفاده قرار می‌دهد زائل نمی‌سازد.

۶- سومین عنصر تعریف: کاربرد غیرحرفه‌ای (but non

professionnel): این عنصر معیار اساسی تعریف را تشکیل می‌دهد: مصرف کننده شخصی است که برای کاربرد غیرحرفه‌ای، یعنی به منظور رفع نیازمندیهای شخصی یا خانوادگی، مال یا خدمتی را برای خود تهیه می‌کند یا مورد استفاده قرار می‌دهد. خریدن مواد غذایی، درمان کردن خود توسط دیگران، خریدن وسیله خانگی یا اتومبیل، منعقد کردن قرارداد بیمه،

۱۱. مثال: یک شخص عادی اتومبیل کار کرده (voiture d'occasion) خود را به شخص عادی دیگری می‌فروشد.

سفر کردن، اجاره کردن آپارتمان، ساختن مسکن خود توسط دیگران، قرض کردن پول لازم برای تأمین این هزینه‌ها، چند نمونه از اعمال مصرفی هستند و هنوز هم می‌توان نمونه‌های دیگری را ذکر نمود. این معیار موجب تشخیص صاحب حرفه از مصرف کننده می‌شود، تشخیصی که شالوده حقوق مصرف را می‌سازد.

۷- تعریف صاحب حرفه (professionnel): برخلاف مصرف کننده،

صاحب حرفه شخصی است که برای نیازهای حرفه خود اقدام می‌کند: محل تجارتي اجاره می‌نماید، کالاهایی را به قصد فروش خریداری می‌کند، لوازم (materiel) یا ابزار (outillage) می‌خرد، اموال حرفه‌ای خود را بیمه می‌کند، برای گسترش بنگاه (entreprise) خود پول قرض می‌گیرد و غیره. بنابراین، قصد از انجام عمل باعث می‌شود که انجام دهنده آن را در شمار صاحبان حرفه یا مصرف کنندگان قرار دهیم.

واژه حرفه، به ترتیبی که در حقوق مصرف به کار می‌رود، بیانگر هر نوع فعالیتی است که به قصد تولید، توزیع یا ارائه خدمت سازمان یابد. بنابراین، مفاهیم بنگاه* (entreprise) و واحد بهره‌برداری** (exploitation) را دربرمی‌گیرد. صاحب حرفه می‌تواند شخص حقوقی و یا حقیقی باشد: یک شرکت بزرگ (société) عیناً همانند یک تاجر جزء

* واحدی است اقتصادی که در زمینه‌های گوناگون ایجاد می‌شود و می‌تواند به شکل شرکت درآید: بنگاه تجارتي (حق العمل کاری)، بنگاه مدنی (پیشه وری)، بنگاه دولتی (بانک). مترجم.
** واحدی است اقتصادی که مثلاً برای بهره‌برداری از املاک مسزوعی، کارخانه، کارمایه تجارتي ایجاد می‌شود. مترجم.

(*petit commerçant*) صاحب حرفه به حساب می آید. مفهوم حرفه به بخش عمومی نیز قلمرو خود را می گستراند: در حقوق مصرف، شرکت ملی راه آهن، شرکت برق فرانسه و پست، صاحب حرفه قلمداد می شوند.^{۱۲}

بنابراین، باید اشخاصی را که بدون قصد فروش، اموالی را برای رفع نیازهای حرفه‌ای خود خریداری می کنند در شمار صاحبان حرفه قرار داد و نه مصرف کنندگان.^{۱۳} یک شرکت که برای کارخانه‌های خود ماشین آلات خریداری می کند یک عمل حرفه‌ای انجام می دهد. چنین اعمالی که در فرایند اقتصادی تولید یا توزیع جای می گیرند اعمال مصرفی نیستند.

تمیز صاحب حرفه از مصرف کننده مبنای حقوق مصرف است. به طور کلی، حقوق مزبور از این واقعیت هستی می یابد که صاحبان حرفه، به لحاظ اطلاعاتی که در اختیار دارند و معلومات فنی و غالباً امکانات مالی خود، نسبت به مصرف کنندگان در وضعیت برتری قرار دارند. هدف حقوق مصرف این است که در روابط صاحبان حرفه و مصرف کنندگان، با مجهز نمودن مصرف کننده به برخی حقوق که توانایی مقابله با امتیازات بدیهی صاحب حرفه را داشته باشند، تعادل ایجاد کند.

۱۲. رک. پایین تر، ش ۱۲.

۱۳. پی زیو با این نظر مخالف و معتقد به دوگانه بودن مفهوم مصرف کننده است: در برخی موارد، صرفاً اشخاصی که صاحب حرفه نیستند مصرف کننده به شمار می روند؛ اما در موارد دیگر، همه استفاده کنندگان، حتی صاحبان حرفه مصرف کننده به حساب می آیند.

("L'introduction de la notion de consommateur ed droit français", D.1982, chron.91).

عقیده مزبور از این ایده درست سرچشمه می گیرد که برخی قواعد، قلمرو اجرایی گسترده تری از دیگر قواعد دارند. ولی از نظر واژگانی بهتر است که واژه مصرف کننده به استفاده کننده ای که صاحب حرفه نیست اختصاص یابد. مترجم: ژان-پی یر پی زیو (Jean-Pierre Pizzio) استاد حقوق دانشگاه بورگنی فرانسه (Université de Bourgogne) است.

البته نباید تصور نمود که صاحبان حرف و مصرف کنندگان دو طبقه متفاوت از شهروندان را تشکیل می‌دهند. در ۱۹۶۲، پرزیدنت کندی اظهار نمود که «ما همگی مصرف کننده هستیم». هر شخص حقیقی، در موقعیتهای زیادی از زندگی خود عنوان مصرف کننده را دارا می‌شود، حتی اگر در عین حال به یک فعالیت حرفه‌ای اشتغال بورزد. تاجری که مواد غذایی روزانه خود را خریداری می‌کند به عنوان مصرف کننده اقدام می‌کند. حقوق مصرف درباره یک عملکرد اقتصادی است و نه طبقه‌ای از اشخاص.^{۱۴}

۸- موارد ابهام تشخیص مصرف کننده از صاحب حرفه: گاهی اتفاق می‌افتد شخصی در وضعیتی که قابلیت توصیف دوگانه دارد قسار می‌گیرد. این وضعیت می‌تواند، از یک سو، مشابه وضعیتی باشد که شخص در آن حالت صاحب حرفه و از سوی دیگر، مشابه وضعیتی باشد که شخص در آن حالت مصرف کننده را دارد. با وجود این، باید یکی از دو توصیف را برگزید: چنانچه شخص، مصرف کننده قلمداد شود از قواعد مختص مصرف کنندگان منتفع خواهد شد و چنانچه صاحب حرفه به حساب آید از این قواعد بهره مند نخواهد گردید. این مشکل در دو مورد پیش می‌آید:

- مورد نخست: شخصی مال یا خدمتی را همزمان برای رسیدن به دو هدف، حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای تهیه می‌نماید. برای مثال، یک دلال معاملات

۱۴. از این جهت، حقوق مصرف با حقوق کار متفاوت است، هرچند که از سایر جهات با آن ویژگیهای مشترکی دارد.

ملکی اتومبیلی را می‌خرد که از آن هم برای جابجا کردن مشتریان خود و هم برای جابجا کردن اعضای خانواده‌اش استفاده کند. در این صورت، باید قاعده‌ای را که مطابق آن فرع تابع اصل است* به اجرا درآورد. البته می‌توان اشکالاتی را که در عمل اجرای این قاعده در پی خواهد داشت تصور نمود. در اینجا، رویه قضایی بسیار کمی وجود دارد.

- مورد دوم: شخصی خارج از صلاحیت حرفه‌ای خود اقدام می‌کند و مال یا خدمتی را برای رفع نیازهای حرفه‌اش تهیه می‌نماید. در اینجا، رویه قضایی فراوان بوده و متمایل به این است که شخص مذکور یک مصرف کننده به شمار می‌آید. در گفتار بعدی، به این مشکل دوباره خواهیم پرداخت.

گفتار دوم

مفاهیم وسیع مصرف کننده

۹- طرح مشکل. اشخاصی که مشمول تعریف محدود پیش گفته می‌شوند مصرف کننده هستند. در این خصوص، تقریباً توافق وجود دارد. اختلافات در رویه قضایی و دکترین هنگامی ظاهر می‌شوند که گسترش این تعریف به اشخاص دیگر مطرح می‌گردد. مقصود این است که به این اشخاص اجازه دهیم از قواعد حمایت‌گرانه حقوق مصرف بهره‌مند گردند. ملاحظه خواهد شد که از لحاظ نظری مشکل اساسی از مشکل واژگانی مجزاست. می‌توان قلمرو قواعد حمایت‌گرانه را به اشخاصی که

*. Accessorium sequitur principale. مترجم

مصرف کننده توصیف نمی‌شوند یا به اشخاصی که صرفاً به مصرف کننده تشبیه می‌شوند گسترانید.

با وجود این، تاکنون همیشه مشکل اساسی به کمک واژگان مطرح گشته است. از این رو، ما این مشکل اساسی را با بررسی پی پی در پی سه دسته اشخاص که مصرف کننده بودن آنها جای بحث دارد مورد مطالعه قرار خواهیم داد: صاحبان حرفی که خارج از صلاحیت خود اقدام می‌کنند، پس انداز کنندگانی که به عملیات سرمایه‌گذاری مبادرت می‌ورزند، استفاده کنندگان از سازمانهای عمومی.

۱۰- صاحبان حرفی که خارج از صلاحیت (compétence) خود اقدام می‌کنند: چند مثال ذکر کنیم: کشاورزی که برای فعالیتهای زراعی خود یک قرارداد بیمه منعقد می‌کند؛ تاجری که مغازه خود را مجهز به یک دستگاه اعلام خطر می‌نماید؛ وکیل دادگستری که برای نیازهای حرفه‌ای خود لوازم انفورماتیک خریداری می‌کند. این اعمال یک هدف حرفه‌ای دارند. بنابراین، اشخاصی که آنها را انجام می‌دهند مشمول تعریف محدود مصرف کننده نمی‌شوند. با وجود این، کشاورز، تاجر، وکیل دادگستری، در مثالهای مذکور خارج از قلمرو صلاحیت خود اقدام می‌کنند. از این رو، اشخاص مبتدی و بی اطلاع (profane) به‌شمار رفته و می‌توانند نسبت به طرحهای قراردادی خود که صاحب حرفه هستند در موضع ضعف قرار گیرند و وضعیتی قابل مقایسه با وضعیت مصرف کننده پیدا نمایند.

متأثر از این استدلال، بخشی از رویه قضایی استفاده از قواعد حقوق مصرف را به اشخاصی که برای دستیابی به یک هدف حرفه‌ای، ولی «خارج

از صلاحیت حرفه‌ای خود» «en dehors de leur compétence professionnelle») اقدام می‌کنند گسترش می‌دهد.^{۱۵} رویه قضایی مزبور به تأیید برخی نویسندگان رسیده است.^{۱۶} قانونگذار نیز، با روشی مشابه، استفاده از قواعد پیرامون مراجعه به محل سکونت و کار افراد برای پیدا کردن مشتری و انعقاد معامله را (démarchage) فقط برای اشخاصی مجاز نمی‌داند که قرارداد بسته شده توسط آنها یک «رابطه مستقیم» با فعالیت حرفه‌ای آنها دارد.^{۱۷} مفهوم مخالف عبارت قانونی مذکور این است هنگامی که رابطه غیرمستقیم باشد قواعد حقوق مصرف به اجرا درمی‌آید. هر دو فرمول نتایج مشابهی در پی داشته و باعث گسترانیدن قلمرو حقوق مصرف می‌شوند.

اما بخش دیگری از رویه قضایی مخالف با هر گونه گسترش قواعد حقوق مصرف بوده و خود را به تعریف محدود مصرف کننده، به ترتیبی که در بالا مذکور افتاد، مقید می‌سازد: شخصی که برای یک هدف حرفه‌ای اقدام می‌نماید، هرچند که خارج از صلاحیت حرفه‌ای خود قرار

15. Civ. 1^{re}, 15 avr. 1982 (D. 1984, J, 439, note Pizzio); Civ. 1^{re}, 28, avr. 1987 (D. 1988, J, 1, note Delebecque; RTDC civ. 1987, 537, obs. Mestre); Civ. 1^{re}, 3 mai 1988 (D. 1988, S, 407, obs. Aubert; D. 1990, J, 62, note Karila de Van); Civ. 1^{re}, 25 mai 1992 (D. 1992, S, 401, obs. Kullmann).

16. V. not. Beauchard, "Remarques sur le code de la consommation", Ecrits en hommage à G Cornu, 1995, p. 9 et s.; Bourgoigne, Eléments pour une théorie du droit la consommation, Story Scientia, Bruxelles 1988, n° 19; Mestre, obs. préc.

17. قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ وارد شده در ماده (۳) ۲۲-۱۲۱- ال قانون مصرف. دیوان عالی کشور، در زمینه شروط تحمیلی، فرمول «رابطه مستقیم» را به کار گرفته است:

Civ. 1^{re}, 24 janv. 1995 (D. 1995, J, 327, note Paisant; D. 1995, S, 229, obs. Delebecque; D. 1995, S, 310, obs. Pizzio). Civ. 1^{re}, 3 janv. 1996 (D. 1996, IR, 47); Civ. 1^{re}, 30 janv. 1996 (D. 1996, IR, 59).

گیرد، نمی‌تواند از قواعد حقوق مصرف بهره‌مند گردد. در این زمینه، آرای پیرامون مراجعه به محل سکونت و کار افراد برای پیدا کردن مشتری و انعقاد معامله (démarchage)،^{۱۸} شروط تحمیلی (clauses abusives)^{۱۹} و اعتبار (crédit)^{۲۰} صادر شده‌اند.

این برداشت محدود از مفهوم مصرف کننده توسط چندین نویسنده مورد تأیید واقع شده است.^{۲۱} کمیسیون بازرنگری حقوق مصرف نیز در پیش‌نویسی که برای قانون مصرف تهیه نمود آن را پذیرفته است.^{۲۲} به نظر ما، مفهوم محدود مصرف کننده به دلایل زیر برتری دارد:

- نخست، مطمئن نیستیم صاحب حرفه‌ای که خارج از صلاحیت خود اقدام می‌کند همانند یک مصرف کننده ساده فاقد امکانات دفاع از خود باشد. قطعاً، بستگی به مورد دارد. اما به طور کلی به نظر می‌رسد شخصی که برای نیازهای حرفه خود اقدام می‌نماید مصمم‌تر از شخصی است که برای نیازهای خصوصی خود عمل می‌کند و در نتیجه بهتر می‌تواند از حقوق خود محافظت نماید.

- سپس، مفهوم وسیع باعث می‌شود که حدود حقوق مصرف نامشخص گردد. برای این که متوجه شویم صاحب حرفه در قلمرو صلاحیت

18. Civ., 27 juin 1989 (D.1989, IR, 252).

19. Civ. 1^{re}, 15 avr.1986 (RTD civ. 1987, 86, obs. Mestre; RTD com. 1987, 238, obs. Bouloc); Civ. 1^{re}, 21 févr, 1995 (JCP, éd. E, 1995, II, 728, note Paisant).

20. Civ., 23 juin 1987 (RTD com. 1988, 483, obs. Bouloc); com., 10 mai 1989 (RTD com.1990, 89, obs. Bouloc). Civ., 23 juin 1987 (RTD com. 1988, 483, obs. Bouloc); com., 10 mai 1989 (RTD com.1990, 89, obs. Bouloc).

21. Malinvaud, "La protection des consommateurs", D.1981, chron. 49; obs. préc.

22. Calais-Auloy, Propositions pour un code de la consommation, La Documentation française, 1990.

خود اقدام می کند یا نه، باید مورد به مورد تحقیق نمود تا به یک نتیجه کاملاً اتفاقی دست یافت، در حالی که لازم است طرفهای یک قرارداد، از قبل حقوق قابل اجرا را نسبت به رابطه خود بشناسند. افزون بر این، مفهوم وسیع بسیار مبهم بوده و فراهم کننده امنیت حقوقی نیست. به عکس، مفهوم محدود روی هم رفته روشن بوده و متضمن چنین امنیتی است.

- سرانجام، چنانچه صاحبان حرف را که خارج از صلاحیت خود اقدام می نمایند مصرف کننده بدانیم، باید متقابلاً مصرف کنندگانی را که در قلمرو صلاحیت خود اقدام می کنند به صاحبان حرف تشبیه نماییم. برای مثال، یک وکیل دادگستری را می توان، بدون این که نیازمند قواعد حمایت گرانه باشد، برای مقابله با خطرات حقوقی قراردادهایی که جهت نیازهای خصوصی خود امضا می نماید، به قدر کافی صلاحیتدار تشخیص داد. بدین ترتیب، برای اجرای قواعد حمایت گرانه، باید معیار دو واژه‌ای صاحب حرفه - مصرف کننده را توسط معیار دو واژه‌ای صلاحیت دار - بی صلاحیت (binôme compétent-profane) جایگزین نمود. این معیار از لحاظ نظری می تواند رضایت بخش قلمداد گردد ولی متضمن این اشکال خواهد بود که کاملاً فاقد دقت و صراحت لازم است. به همین جهت، نمی توان آن را به طور جدی مدنظر قرار داد.^{۲۳}

۲۳. غالباً ضرورت دارد که در وضع قاعده حقوقی دو ویژگی درنظر گرفته شوند: یکی عادلانه و منصفانه بودن قاعده حقوقی و دیگری ساده و روشن بودن آن. به همین جهت، سنن کبر (majorité civile)، بدون توجه به قابلیت‌های فردی هر شخص، به طور یکسان هجده سال تعیین شده است.

بنابراین، در این کتاب، ما مفهوم محدود مصرف کننده را می‌پذیریم؛ شخصی که برای دستیابی به یک هدف حرفه‌ای اقدام می‌کند مصرف کننده به‌شمار نخواهد آمد.

با وجود این، باید مفهوم محدود مصرف کننده را با رعایت دو نکته تعدیل نمود:

- از یک سو، برخی از قواعد حقوق مصرف به مصرف کنندگان اختصاص نمی‌یابد. لذا، اشخاص دیگر نیز می‌توانند از آنها بهره‌مند گردند. به‌ویژه، می‌توان به قواعدی اشاره نمود که در زمان تصویب آنها هنوز مفهوم مصرف کننده مطرح نبوده است.^{۲۴} احتمالاً این قواعد با قلمرو وسیع را کمتر می‌توان در آینده دید. ولی کاملاً از بین نخواهد رفت.^{۲۵}

- از سوی دیگر، حمایت از صاحبان حرف که در مقابل طرفهای قراردادی خود در موضع ضعف قرار دارند می‌تواند قواعد ویژه‌ای را ایجاد نماید که در گستره حقوق مصرف قرار نخواهند گرفت.^{۲۶}

۱۱- پس انداز کنندگانی (épargnant) که به عملیات سرمایه‌گذاری (actes de placement) مبادرت می‌ورزند. اقتصاددانان به روشنی مصرف کنندگان و پس انداز کنندگان را از یکدیگر تشخیص می‌دهند. دسته

۲۴. خریدار هر که توصیف گردد، ماده ۱-۲۱۳-ال قانون مصرف، اعمال اغفال کننده درخصوص کالاهایی را که به او فروخته می‌شود مستوجب کیفر می‌داند. ماده ۱-۱۲۱-ال همین قانون تبلیغات گمراه کننده را منع می‌نماید و آن هم صرفنظر از وصف اشخاصی که تبلیغات (publicité) مربوط به آنها می‌شود.

۲۵. قواعد پیرامون ایمنی محصولات و خدمات (پایین تر، شماره ۲۲۱ به بعد) برای حمایت از کلیه اشخاصی که در معرض خطر قرار دارند وضع شده اند، اعم از این که مصرف کننده توصیف شوند یا نه.

26. Exemples: loi Royer du 27 décembre 1973, loi Doubin du 31 décembre 1989.

نخست مبالغ موجودشان را برای ارضای نیازهای حال خود به کار می‌برند؛ دسته دوم آنها را برای برآوردن حوائج آینده خود، نگهداری می‌کنند و یا احتمالاً در عملیات سرمایه‌گذاری به کار می‌بندند. اصولاً شخصی که مبلغی پول در اختیار دارد می‌تواند یکی از این دو عمل را انجام دهد: یا مصرف کند (برای مثال اتومبیلی بخرد) یا پس‌انداز نماید (برای مثال سهامی در بورس بخرد). از برخی جهات، پس‌انداز عکس مصرف است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که پس‌انداز کاملاً خارج از قلمرو حقوق مصرف‌کننده قرار گیرد.

با وجود این، موضوع به همین سادگی نیست. مصرف‌کنندگان و پس‌اندازکنندگان دارای یک ویژگی مشترک می‌باشند: هیچکدام صاحب حرفه نیستند و با صاحبان حرف وارد معامله می‌شوند. از این رو، حمایت از پس‌اندازکنندگان قواعدی را به همراه دارد که گاهی مشابه قواعدی هستند که می‌توان در حقوق مصرف‌کننده پیدا نمود.^{۲۷} همچنین حتی قواعدی وجود دارد که به طور یکسان از همه اشخاصی که صاحب حرفه نیستند حمایت می‌کند، اعم از این که مصرف‌کننده یا پس‌اندازکننده باشند.^{۲۸}

علی‌رغم این وجوه اشتراک، مطمئناً در دانش حقوق نباید پس‌اندازکنندگان را به مصرف‌کنندگان تشبیه نمود. برخی قواعد برای دسته اول وضع شده‌اند: هیچکس در فکر گسترش آنها به دسته دوم نیست.

۲۷. در زمینه مراجعه به محل سکونت و کار افراد برای پیدا کردن مشتری و انعقاد معامله (démarche)، تبلیغات (publicité)، اقامه دعوی (action en justice) وضع بدین ترتیب است.

۲۸. از این قرار: مقررات مربوط به شروط تحمیلی (ماده ۱-۱۳۲-ال به بعد قانون مصرف). پیرامون امکان پذیر بودن اقامه دعوی مؤسسه ملی مصرف (Institut national de la consommation)، به سود پس‌اندازکنندگان رک.

"La protection de l'épargnant-consommateur" (consommateurs Actualités, n° 437, oct. 1984).

متقابلاً، قواعد دیگری به مصرف کنندگان اختصاص یافته‌اند: آنها را نمی‌توان به پس‌انداز کنندگان تعمیم داد.^{۲۹}

۱۲- استفاده کنندگان از سازمانهای عمومی (Les usagers des services publics). هنگامی که یک شخص حقوق عمومی (دولت، رژیم، دپارتمان، کمون، مؤسسه عمومی)* به تأمین نیازهای همگانی می‌پردازد، به‌طور تقریبی می‌توان گفت که این شخص یک سازمان عمومی است. سازمانهای عمومی در همه کشورها وجود دارند؛ در فرانسه از یک موقعیت بسیار ممتاز برخوردارند.

سازمانهای عمومی محصولات و خدمات خود را به اشخاصی ارائه می‌نمایند که به‌طور مرسوم استفاده کننده نامیده می‌شوند. هرگاه آنچه عرضه می‌گردد برای رفع نیازهای شخصی یا خانوادگی باشد، آیا می‌توان استفاده کنندگان را مصرف کننده قلمداد نمود؟ و آیا می‌توان سازمانهای عمومی عرضه کننده را صاحب حرفه دانست؟ غرض از طرح سؤال این است که بدانیم آیا حقوق مصرف قابل اجرا است.^{۳۰}

۲۹. آقای بورگوانی (Bourgoigne, op.cit. n° 19) با این نظر مخالف و معتقدند که خرید در بورس، سپرده گذاری در بانک، خرید مال منقول و غیرمنقول و فروش پس از آن، اعمال مصرفی به شمار می‌آیند، مشروط بر این که به صورت اتفاقی یا غیرحرفه ای انجام گرفته باشند.

*. دپارتمان (département) و کمون (commune) از واحدهای اساسی و قدیمی تقسیمات کشوری فرانسه به شمار می‌آیند. شاید بتوان گفت که در حقوق اداری ایران به ترتیب با استان و روستا مطابقت نمایند. اما رژیم (région) واحدی خاص و جدید از این تقسیمات است که دربرگیرنده چندین دپارتمان می‌باشد و به منظور پیاده کردن برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده و توسط یک مؤسسه عمومی (établissement public) که به همین نام موسوم است اداره می‌شود. مترجم.

30. Delvolvé, "la question de l'application du droit de la consommation aux services publics", Ed. techniques, Dr. adm., oct. 1993.

درباره سازمانهای عمومی با ویژگی صنعتی یا تجارتي می توان بدون هیچ تردید پاسخ داد: از زمانی که دادگاه تعارضات (Tribunal des conflits)* در ۱۹۲۱ رأی مشهور خود را صادر نمود، این سازمانهای عمومی در روابط خود با استفاده کنندگان مشمول حقوق خصوصی و صلاحیت دادگاههای عمومی (compétence judiciaire) می باشند.^{۳۱} در نتیجه، استفاده کنندگانی که صاحب حرفه نیستند همچون مشتریان یک بنگاه خصوصی (entreprise privée) مصرف کننده محسوب می شوند. نمونه های بارز سازمانهای مذکور که مؤسسات عمومی صنعتی یا تجارتي هستند عبارتند از: شرکت برق فرانسه، گاز فرانسه، شرکت ملی راه آهن، پست، تلفن فرانسه (France Télécom). به طریق اولی، نمونه های دیگر، بنگاههای دولتی (entreprises d'Etat) هستند که قالب شرکتهای تجارتي را پذیرفته اند، مثلاً بانکها و شرکتهای بیمه ملی شده، هرچند که می توان مطرح ساخت که آیا این بنگاهها واقعاً سازمانهای عمومی هستند.

درباره سازمانهای عمومی اداری (services publics administratifs) پاسخ دشوارتر است. این سازمانها در قلمرو حقوق خصوصی قرار نمی گیرند و مشمول حقوق اداری می شوند. برخلاف بنگاههای خصوصی، به تحصیل سود نمی پردازند و هدف آنها ارضای حوائج عمومی است. چنانچه صرفاً به این دیدگاه که جنبه نظری دارد توجه شود، می توان به این نتیجه رسید که حقوق مصرف در اینجا کاربردی ندارد. اما نگاهی ساده به واقعیات عملی

* دادگاهی متشکل از برخی اعضای دیوان عالی کشور و شورای دولتی (conseil d'Etat) است که در مقام رفع تعارضات (conflits) میان نظام اداری (ordre administratif) و نظام قضایی (ordre judiciaire) تشکیل می شود. مترجم.

31. Arrêt Bac d'Eloca, Trib. Confl. 22 janv. 1921 (D.1921/3/1).

نشان می‌دهد که غالباً استفاده‌کنندگان در مقابل قدرت سازمانهای عمومی فاقد امکانات هستند و همانند مصرف‌کنندگان نیازمند حمایت می‌باشند. حمایت از آنها، نخست توسط متونی که مخصوصاً برای استفاده‌کنندگان از سازمانهای عمومی تدوین یافته‌اند به تحقق پیوست: قانونی به تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ و آیین‌نامه‌ای به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۳ قواعد گوناگونی را برای بهبود روابط میان اداره (administration) و عموم (public) پیش‌بینی می‌نمایند.

آیا می‌توان با گسترانیدن قواعد حقوق مصرف به سازمانهای عمومی اداری، استفاده‌کنندگان را از یک حمایت افزون‌تر برخوردار نمود؟ هنگامی که سازمان، همچون دادگستری، پلیس، اداره امور معابر عمومی (Voirie)، جنبه عمومی و رایگان داشته باشد، پاسخ کاملاً منفی است: استفاده‌کنندگان از این سازمانها مصرف‌کننده به‌شمار نمی‌آیند. اما سازمانهای عمومی اداری دیگری، به‌ویژه نظیر بیمارستانها، وجود دارند که محصولات و خدمات خود را به‌طور انفرادی و درمقابل پول عرضه می‌نمایند؛ در این صورت، استفاده‌کنندگان از این سازمانها که صاحب حرفه نیستند قطعاً مصرف‌کننده بوده و می‌توانند از قواعد حقوق مصرف بهره‌مند گردند. البته برای دیگر سازمانهای عمومی، همچون وزارت آموزش و پرورش ملی (éducation nationale)، راه حل مبهم‌تر است.

ملاحظه می‌کنیم که برای دستیابی به یک پاسخ روشن و قطعی به سؤال مطروحه هنوز فاصله زیادی داریم. با وجود این، می‌توان، چه در

حقوق فرانسه،^{۳۲} چه در حقوق جوامع اروپایی،^{۳۳} گرایشی را در گسترش قواعد حقوق مصرف به سازمانهای عمومی شاهد بود.

۳۲. تصویب نامه قانونی یکم دسامبر ۱۹۸۶، ماده ۵۳: «مقررات بیان شده در تصویب نامه قانونی حاضری نسبت به کلیه فعالیتهای تولیدی، توزیعی و خدماتی، حتی اگر توسط اشخاص عمومی انجام گرفته باشند، به اجرا در می آیند». این قاعده به ویژه مقررات تصویب نامه قانون ۱۹۸۶ را که وارد قانون مصرف شده اند شامل می شود (اطلاع رسانی پیرامون قیمتها، فروشهای با جایزه، امتناع از فروش، فروشهای وابسته).

۳۳. دستورالعمل ۵ آوریل ۱۹۹۳ راجع به شروط تحمیلی، هر شخصی را که در چارچوب فعالیت حرفه‌ای خود اقدام کند صاحب حرفه قلمداد می نماید، «عم از این که شخص حقوقی باشد یا خصوصی».